

# تأمل در بیتی از دیباچه شاهنامه

مهدی مهدی زاده

## درآمد:

در این مقاله نخست نظریات برخی شاهنامه‌شناسان درباره یکی از ابیات شاهنامه بیان می‌گردد. سپس به تحلیل یاقوت سرخ و نگاه اساطیری فردوسی به آسمان، در مقدمه شاهنامه می‌پردازیم.

\*\*\*

شاهنامه گنجینه‌ای از فرهنگ و هویت قوم ایرانی است زیرا در ابعاد گوناگون، بسیاری از باورها و پندارهای کهن ایرانیان را در خود نهفته دارد. نگرش اقوام کهن درباره ماهیت آسمان، به عنوان پدیده‌ای اسرارآمیز، یکی از مباحث بنیادی و گسترده دنیای اساطیری و آیینی است زیرا بیشتر آیین‌های بشری، به طریقی با آسمان و اسرار آن پیوندی ناگسستنی دارد.

از دیرزمان، یکی از پرسش‌های مهم انسان، ماهیت و جنس آسمان بوده است و چون درباره چندوچون این پهنه پر رمز و راز، به پاسخی روشن دست نمی‌یافت، بناچار می‌کوشید تا با تحلیل‌های اسطوره‌ای، پاسخی برای مجهول خود بیابد. بدین سان، این گونه پرسش‌ها، یکی از عوامل مهم شکل‌گیری اساطیر در اندیشه مردم باستان بوده است.

هر یک از اساطیر ملل، برای این پهنه پر رمز و راز جنسی قائل شده‌اند. برای مثال، در آیین مانی آسمان از جنس پوست دیوان، در اساطیر هند از مردمک چشم نارایانا و در اساطیر چین از پوسته تخم مرغ است (هادی، ۱۳۷۷: ۱۴۷، ۱۸۲، ۱۹۵ و...). ایرانیان باستان، گاهی آسمان را از جنس خماین (فلز گداخته) (بهار، ۱۳۶۲: ۱۸) و گاه بر اساس اوستا، جنس آن را از سنگ پنداشته‌اند (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۱۰۹).

در بعضی از آثار دوره اسلامی، مطابق آیه یازدهم سوره فصلت، گفته‌اند: «جنس آسمان از دود است.» (محمد بن قطن، ۱۳۷۰) البته به نظر می‌رسد، این اشخاص برداشت نادرستی از قرآن داشته‌اند زیرا در آیه مورد نظر، آسمان پیش از آفرینش به دخان تشبیه شده است و فردوسی هم به این دلیل معتقد بوده

است گوهر آسمان از آب و باد و گرد و دود نیست. برخی از آثار نیز به ناتوانی بشر در ادراک ماهیت آسمان اقرار کرده‌اند. برای مثال، در عجایب‌نامه آمده است:

...بدان که حکما گویند در ماهیت آسمان — و کس نداند

چیست — اگر فلک از آب بودی، قصد کردی به زیر؛ اگر از

بادبودی، به هوا درآمیختی؛ اگر از خاک بودی، قصد خاک

کردی؛ اگر از آتش بودی، همرنگ آفتاب بودی. پس علم

آن آفریدگار داند که چیست. (همدانی، ۱۳۷۵: ۲۱ - ۲۰)

به طور قطع در قرن چهارم و همزمان با فردوسی نیز، یکی از پرسش‌ها و مجهولات بشر، ماهیت آسمان بود و فردوسی با نگاه اساطیری خود در مقدمه شاهنامه می‌گوید: «جنس آسمان از یاقوت سرخ است»:

ز یاقوت سرخ است چرخ کبود

نه از آب و باد و نه از گرد و دود

(فردوسی، ۱۳۷۹: ۸)

شاید همین پندار اساطیری فردوسی در آغاز شاهنامه سبب شده است در برخی نسخه‌ها، از جمله دستنویس موزه فلورانس، این بیت جزو ابیات الحاقی تلقی و حذف شود. حال آن‌که فردوسی بر پایه دانش گسترده خود، آگاهانه، به ترتیب ارزشمندی انواع یاقوت، ابتدا در دیباچه یاقوت سرخ، و سپس در داستان جمشید یاقوت زرد را به کار برده است:

دگر روز چون گنبد لاجورد

برآورد و بنمود یاقوت زرد

(فردوسی، ۱۳۷۵: ۶۵)

خوشبختانه در برخی منابع، از جمله چاپ دکتر خالقی مطلق این بیت حذف نشده و جزو ابیات دیباچه شاهنامه است.

(فردوسی، ۱۳۶۸: ۸)

شاهنامه‌پژوهان درباره این بیت نظریات گوناگونی پرداخته‌اند. برخی آن را به دلیل نامفهوم بودن، از ابیات الحاقی



شاهنامه دانسته‌اند. برای نمونه، مرحوم دکتر زریاب خوبی معتقد است:

این بیت از لحاظ معنی سست و نامعقول است. «چرخ کبود» اگر از یاقوت سرخ است، پس چرا «کبود» است؟ و اگر یاقوت از جنس یکی از عناصر چهارگانه است، یعنی خاک، پس چرا در مصراع دوم می‌گوید که «چرخ کبود» از «گرد»، یعنی خاک، و «دود»، یعنی آتش، نیست؟ (زریاب خوبی، ۱۳۷۴: ۱۹ - ۱۶)

مرحوم دکتر احمدعلی رجایی مفهوم این بیت را با تعالیم اسلامی مغایر می‌دانستند زیرا به نظر ایشان، ماهیت آسمان در قرآن از دود است ولی فردوسی می‌گوید: از یاقوت سرخ است. البته علی ابوالحسنی، با استناد به احادیث و روایات این نظریه را رد کرده است (ابوالحسنی، ۱۳۷۸: ۱۶۹؛ نیز، نک: مهاجرانی، ۱۳۷۲: ۱۳۴).

به نظر دکتر کزازی: «بدرستی دانسته نیست که چرا فردوسی گوهر و گونه آسمان را از یاقوت شمرده است. [اما] ساختار معنایی و نحوی بیت آشکارا گویای آن است که خواست وی از این سخن، پنداری شاعرانه نیست و باوری باستانی را در آن باز نموده است. [زیرا] در باورشناسی باستانی، آسمان از گونه و گوهر سنگ پنداشته می‌شده است.» (کزازی، ۱۳۷۹: ۲۰۰) بنابراین، یاقوتین بودن آسمان در باورشناسی ایرانی، می‌تواند یادگاری از پیوند آسمان با سنگ باشد که در منابعی چون بندهشن از آن سخن رفته است (کزازی، ۱۳۸۴: ۸۱). دکتر یاحقی به نقل از کتاب مینوی خرد، گفته‌اند: «آسمان از گوهر یاقوت ساخته شده است و برخی نیز می‌گویند از الماس» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۴). ولی در بهین‌نامه باستان توضیحی برای این بیت نیابورده‌اند (یاحقی، ۱۳۷۰: ۴). شاهنامه‌پژوهان دیگر هم، تنها به حدیثی از پیامبر به نقل از الدر المنثور سیوطی و بحار الانوار علامه مجلسی بسنده کرده‌اند: «العرش من یاقوتة حمراء» (آیدنلو، ۱۳۹۰: ۶۸۴)

البته علاوه بر این حدیث در بحار الانوار، احادیث دیگری در مورد یاقوتین بودن فلک و وجود قصر و درخت یاقوتین در بهشت ذکر شده است. به عنوان نمونه: «باب الرحمة من یاقوتة حمراء»، «له فیها قصر من یاقوتة حمراء» و... که برای دسترسی به آنها، می‌توان به کتاب المعجم المفهرس لالفاظ احادیث (بحار الانوار)، جلد هشت، صفحه ۵۵۹۳ و ۵۵۹۴ مراجعه کرد. به نظر می‌رسد سرچشمه این گونه احادیث، مشاهدات

حضرت ختمی مرتبت در شب معراج بوده است. برای مثال، پیامبر (ص) در آن شب، به هنگام مشاهده بهشت، کوشکی از یاقوت سرخ مشاهده نمودند (عتیق نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۵۲).

علاوه بر احادیث و روایات، برای یاقوتین بودن فلک و این نگاه اسطوره‌ای فردوسی به آسمان، دلایل دیگری هست که می‌توان در تحلیل این بیت از آن‌ها بهره جست. در این بیت، واژه سرخ برای یاقوت، حشو نیست زیرا یاقوت گونه‌هایی دارد: «سرخ، زرد، کبود، سبز و سپید» (شهمردان بن ابی‌الخیر، ۱۳۶۲: ۲۵۹) و از این انواع «بهترین یاقوت، یاقوت سرخ است.» (مطهر جمالی یزدی، ۱۳۴۶: ۱۸۹). برای یاقوت نیز، خاصی ذکر نموده‌اند: «یاقوت جمله سنگ سخت است و گرم... و طاعون و وبا را باز دارد و هر که بیوشد، به چشم بزرگان عزیز باشد و کارها گشاده گردد.» (شهمردان بن ابی‌الخیر، همان).

این سنگ زیبا و ارزشمند، جزو گران‌بهارترین زیورآلات بوده است و گوهرشناسان بر این باور بودند که یاقوت تنها در کوه سرانندیب در هند یافت شود و بهترین گونه آن یاقوت بهرمانی است... در دست سنگینی نماید، در دهان خنک باشد و در برابر آتش پایدار ماند (ثعالی، ۱۳۷۶: ۵۵۴).

گذشتگان آسمان را منبع وحی، الهام و فیض رحمانی می‌دانستند و معتقد بودند اساس آن گوهری ارزشمند است و هر طبقه آن جنس و رنگ خاصی دارد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۸). یکی از مهمترین منابع در این باره، مروج الذهب است. نویسنده آن، که تقریباً معاصر با فردوسی است، برای هر یک از طبقات آسمان جنسی ذکر کرده است:

آسمان دنیا از زمرّد سبز، آسمان دوم از سیم سپید، آسمان سوم از یاقوت سرخ، آسمان چهارم از درّ سپید، آسمان پنجم از طلای سرخ، آسمان ششم از یاقوت زرد و آسمان هفتم از نور است. (مسعودی، ۱۳۷۰: ۲۰).

این تقسیم‌بندی در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، به نقل از برخی مفسران، به اشکال دیگری هم آمده است. به عنوان نمونه: آسمان دنیا از موج مکفوف، آسمان دوم از سنگ، آسمان سوم از آهن، آسمان چهارم از مس، آسمان پنجم از سیم، آسمان ششم از طلا و آسمان هفتم از یاقوت است (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ۱۳۷۶: ۳۶۴).

این پندارها در ادبیات و هنر ایرانیان به شکل‌های گوناگونی تبلور یافته است. برای مثال، معماران با همین برداشت‌ها قصری با هفت گنبد رنگارنگ برای بهرام گور بنا



کرده بودند (نظامی، ۱۳۷۲: ۶۹۰).

بنابراین می‌توان گفت که فردوسی در این بیت، مطابق یکی از باورهای روزگار خود، جنس آسمان را یاقوتین قلمداد کرده است و سخن مسعودی هم، دلیل دیگری بر این مدعاست. لذا این بیت فردوسی سست، بی‌معنی و الحاقی نیست و این بیت را می‌توان جزو یکی از ابیات مهم فردوسی برای ورود به مباحث اساطیری در دیباچه شاهنامه به حساب آورد. به طور قطع، در یک اثر حماسی و اساطیری توصیف آسمان متفاوت است و این‌گونه توصیفات، ارزش‌های ادبی و هنری شاهنامه را هر چه بیشتر جلوه‌گر می‌کند.

### منابع:

- آیدنلو، سجاد، دفتر خسروان، تهران: سخن، ۱۳۹۰.
- ابوالحسنی، علی، بوسه بر خاک پی حیدر (ع)، تهران: نشر عبرت، ۱۳۷۸.
- اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱.
- برارزش، علی‌رضا، المعجم المفهرس لالفاظ احادیث (بحار الانوار)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
- بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۲.
- ثعالی، ابومنصور، ثمارالقلوب، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۶.
- جمعی از مؤلفان (زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی)، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (جلد اول)، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷.
- زریاب خویی، عباس، «نگاهی تازه به مقدمه شاهنامه» در: تن پهلوان و روان خردمند، به کوشش شاهرخ مسکوب، تهران: طرح نو، ۱۳۷۴.
- شهردان بن ابی‌الخیر، نزهت‌نامه عالی، تهران: مؤسسه

مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.

- عتیق نیشابوری، ابوبکر، قصص قرآن مجید، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۵.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، مصحح: جلال خالقی مطلق، تهران: انتشارات روزبهان، ۱۳۶۸.
- \_\_\_\_\_، شاهنامه از دستنویس موزه فلورانس، به قلم عزیزالله جوینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- کزازی، میرجلال‌الدین، جستارهایی در ادب و فرهنگ، تهران: انتشارات آیدین، ۱۳۸۴.
- \_\_\_\_\_، نامه باستان (ج اول)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- محمد بن قطان، ابی‌نصر، سراج‌القلوب، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۰.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج‌الذهب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- مطهر جمالی یزدی، ابوبکر، فرخ‌نامه، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۶.
- مهاجرانی، سیدعطاءالله، حماسه فردوسی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲.
- مهدی‌زاده، مهدی، «گنبد سبز فلک» در: مجله رشد زبان و ادب فارسی، شماره ۹۸ تابستان ۹۰.
- نظامی، الیاس بن یوسف، کلیات (هفت پیکر)، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۷۲.
- هادی، سهراب، شناخت اسطوره‌های ملل، تهران: نشر تندیس، ۱۳۷۷.
- همدانی، محمد بن محمود، عجایب‌نامه، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۵.
- یاحقی، محمدجعفر، بهین‌نامه باستان، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۰.
- \_\_\_\_\_، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶.

